

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء
سال بیست و سوم، دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۶، بهار و تابستان ۱۳۹۲

کاربرد مآخذ در تشخیص نسخه‌های اصل: با تکیه بر منابع تاریخی

اسماعیل حسن زاده^۱

مریم تفضلی شادپور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۶/۹

چکیده

نسخه‌های اصل، یکی از موثقترین و مستندترین منابع اولیه در پژوهش‌های تاریخی است. هرگونه خدشه در اصالت این منابع، مسیر پژوهش‌ها را به انحراف می‌کشاند. احراز اعتبار، و تشخیص اولیه یا ثانویه بودن این منابع، نخستین شرط تحقیقات پژوهشی است. دستیابی به روش‌های شناسایی اعتبار نسخه‌های اصل وابسته به تاریخ، هدف این نوشتار است. بهره‌برداری از اطلاعات مآخذ (منابع و مطالعات)، به عنوان یکی از روش‌های تشخیص اصالت نسخه‌های اصل، در این تحقیق، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش، از طریق نقد بیرونی یا سندی نسخه‌های مورد بررسی درصدد تبیین موضوع است. این روش با توصیف، مقایسه و

ismailhassanzadeh@yahoo.com

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء

۲. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پژوهشگر نسخه‌های خطی اسلامی ma_tafazoli@yahoo.com

تحلیل محقق می‌شود. نتیجه مطالعه بر روی نسخه‌های مورد بررسی در این پژوهش نشان می‌دهد، الگوی ارائه شده، یعنی الگوی استفاده از اطلاعات مآخذ، در تعیین اعتبار نسخه‌های اصل غیرتاریخی نیز کاربرد دارد. بهره‌گیری از اطلاعات مآخذ در شناسایی برخی نسخه‌های اصل، شرطی لازم به شمار می‌آید؛ اما شرطی کافی نیست. تعیین اعتبار نسخه‌های اصل، نیازمند توجه محقق، به مجموعه‌ای از عوامل و روش‌های تشخیصی است. روش شناسی نسخ اصل را تشکیل می‌دهد. روش‌هایی که با واریسی دقیق و مطالعه نسخه‌ها در جستجوی قراین گوناگون به دست می‌آید.

واژه‌های کلیدی: نسخه اصل، خط مؤلف، روش‌شناسی نسخ اصل، مآخذ، نسخه خطی، منابع تاریخی

مقدمه

نسخه‌های خطی، سرچشمه و گنجینه ثبت آرای متفکران گذشته، و ابزار تولید علم است. این نسخه‌ها پیشینه فرهنگ و تمدن ملل را نشان می‌دهند، و از مهم‌ترین منابع اطلاع تاریخی به شمار می‌آیند. موضوع گوناگون و متنوع نسخه‌های خطی از فقه و اصول و حدیث و تفسیر، تا تاریخ و شعر و نجوم و پزشکی و موسیقی و فیزیک و ... از تلاش گسترده پیشینیان در عرصه علم و ادب حکایت می‌کند. بی‌تردید نسخه‌های خطی از اعتبار و وثاقت یکسانی برخوردار نیستند. این نسخه‌ها اغلب در طول قرون، و در اثر دست‌اندازی حوادث سالیان، دست‌خوش آسیب‌دیدگی و تغییرات ظاهری و ماهوی شده‌اند.

در این میان، آسیب‌های انسانی نقش گسترده‌تری از آسیب‌های فیزیکی، شیمیایی، میکروبی و آفات حشرات، در تخریب و مخدوش کردن نسخه‌های خطی داشته‌است. عوامل انسانی، گاه ماهیت نسخه را از اصل دگرگون می‌کند، و گاه نسخه‌های خطی را در معرض تحریف، اضافه و اسقاط قرار می‌دهد. لازمه تشخیص این آسیب‌ها، واریسی همه‌جانبه نسخه به لحاظ کتاب‌شناسی و

نسخه‌شناسی، با مدد شناسایی عوامل مؤثر بر تعیین اعتبار نسخه است. این مساله به دقت نظر و بررسی عملی متن نسخه و تجربه نیاز دارد. تجربیاتی که پیش از این با مطالعه مآخذ و تعامل هرچه بیشتر با نسخه‌های خطی پدید آمده است.

نسخه‌های اصل، یکی از معتبرترین انواع نسخه‌های خطی است. ارائه الگو و روش‌های شناسایی میزان اعتبار نسخه‌های اصل وابسته به تاریخ، با مدد بهره‌گیری از اطلاعات مآخذ (منابع و مطالعات)، هدف این نوشتار است. برای نیل به این هدف، واریسی دقیق و همه‌جانبه نسخه‌های اصل معرفی شده، و تطبیق اطلاعات به دست آمده با اطلاعات منابع در خصوص مؤلف و مطالب نسخه ضروری است. بدیهی است نتیجه این مطالعه در هر نسخه با نسخه دیگر متفاوت است. طبقه‌بندی نتایج به دست آمده، منجر به پیدایی روش‌هایی بر پایه داده‌های منابع، در تشخیص اصالت نسخه، و پاسخگویی به مسأله اصلی این پژوهش خواهد شد. مسأله‌ای که می‌توان آن را در سؤال ذیل خلاصه کرد: چگونه و با چه روشی می‌توان از طریق رجوع به مآخذ، نسخه‌های اصل وابسته به تاریخ را از نسخه‌های غیراصیل بازشناخت؟

در نوشتار حاضر، چند نسخه اصل معرفی شده کتابخانه ملی در موضوع‌هایی نزدیک به تاریخ، مورد ارزیابی و تحلیل قرار می‌گیرد. به عامل مهم "منابع و مآخذ" و ماهیت به کارگیری این عامل در شناسایی صحیح نسخه‌های اصل و تعیین میزان اعتبار نسخه توجه می‌شود. روش‌هایی برای تشخیص اصالت نسخه‌های خطی از طریق منابع و جزء آن ارائه می‌شود.

در این مقاله، برای روشن شدن محتوی ارایه تعریف چند مفهوم اساسی ضروری است. شاید برخی از تعاریف برای برخی از خواننده روشن باشد اما فقدان آن می‌تواند در تفهیم موانعی ایجاد کند. در این بررسی، نسخه اصل معادل مسودات یا نخستین نگارش مؤلف، و مبیضات یا دومین دست‌خط مؤلف یا محرر با تایید مؤلف، و نسخه‌های مکتوب در زمان حیات مؤلف با نشانی از دست خط مؤلف است. نسخه‌هایی که به تایید دیگران همچون حاشیه‌نویس، مجیز، مقابله‌کننده، مالک و ... خط مؤلف معرفی شده است، ولی نشانه‌ای از خط مؤلف در آن نیست، نسخه اصل به شمار نمی‌آید.

نسخه خطّ مؤلف، دست‌نویس مؤلف است. هر نسخه خطّ مؤلفی نسخه اصل است؛ اما هر نسخه اصلی لزوماً به خطّ مؤلف نیست. مقصود از نسخه‌های اصل و وابسته به علم تاریخ، نسخه‌هایی در موضوع تاریخ و یا موضوع‌هایی نزدیک به این علم است که اصل معرفی شده است. مآخذ و مراجع اعمّ از منابع و مطالعات است.

منابع به دو گونه منبع خبری و منبع اثری تقسیم می‌شود. منابع خبری یا اخبار، همان مکتوبات گذشته همانند کتاب‌ها، اسناد، مهرها، و مانند آن است. نسخه‌های خطّی از جمله منابع خبری به حساب می‌آید. منبع اثری یا آثار، شامل آثار هنری مانند نقاشی‌ها و آرایه‌ها، آثار مادی مانند ظروف و ابزار، آثار معماری و بناها، و مواردی از این قبیل است.

منابع به لحاظ میزان سندیت و اعتبار، به دو قسم منابع اولیه و ثانویه تقسیم می‌شود: منابع دست اول یا اولیه توسط شاهد و ناظر رویداد نوشته شده است. منابع دست دوم یا ثانویه گزارش‌های کسانی است که از نزدیک شاهد رویداد نبوده‌اند، و خبر را با واسطه روایات مکتوب و یا مسموع نقل کرده‌اند. بخشی از نسخه‌های اصل منبع دست اول، و بخشی دیگر منبع دست دوم به شمار می‌آیند. مطالعات یا همان پژوهش‌های جدید، بر اساس اطلاعات منابع، و یا با تکیه بر روش‌های نوین علمی - پژوهشی، و با دیدی انتقادی نوشته می‌شود. نوشتار حاضر از اطلاعات هر دو گروه منابع و مطالعات سود جسته است.

در میان تحقیقات حوزه نسخه‌های خطّی، آثار محدودی به صورت خاص، به مبحث نسخه‌های خطّ مؤلف، و از آن محدودتر به مبحث نقش منابع در شناسایی نسخه‌های اصل پرداخته است. روش‌های شناسایی نسخه‌های اصل، گاهی در فصول پراکنده برخی کتاب‌های حوزه عمومی نسخه‌های خطّی، و یا ضمن برخی مقالات آمده است. همین‌طور پیش از این برخی محققان و فهرست‌نویسان، در تعامل خود با نسخه‌های خطّی از روش تشخیص نسخه‌های خطّ مؤلف بر محور منابع بهره برده‌اند، هم‌چنین برخی مطالعات به این روش تشخیصی اشاراتی دارند؛ اما روش‌مندسازی این روش‌ها پیش از این در مطالعات خطّی مشاهده نشده است. در ذیل به دو نمونه مطالعات داخلی و یک نمونه مطالعات خارجی مرتبط با مبحث نقش منابع در نسخه‌های اصل اشاره می‌شود.

- الهه روحی دل، در مقاله «بررسی برخی از نشانه‌های نسخه‌های اصل» (۱۳۸۰، دفتر ۳۶، ص ۲۷- ۳۵) بیشتر با دیدگاه اهمیت شناسایی نسخه‌های اصل در حوزه تصحیح انتقادی متون، برخی نشانه‌های نسخه‌های اصل در نسخه‌های مورد مطالعه خود را به صورتی بسیار کلی بررسی کرده است. یکی از این نشانه‌ها مراجعه به منابع است. این مقاله، صرفاً به ذکر عنوان نشانه‌ها به صورتی بسیار کلی، و ذکر چند مثال از فهرست‌ها با عباراتی موجز برای هر عنوان پرداخته است. این مثال‌ها با بررسی محدوده فهرس خطی، و استخراج نسخه‌هایی که توسط فهرست‌نویسان اصل معرفی شده‌اند به دست آمده است. روشن است اشتباهات فهرست‌نویسان در این بررسی لحاظ نشده، و به این مقاله نیز راه یافته است.

- نجیب مایل هروی در کتاب تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی (۱۳۸۰) بررسی جامعی درباره حوزه‌های گوناگون نسخه‌پردازی، کتاب آرای، تصحیح انتقادی، در قالب نظریه‌های علمی ارائه داده است. در فصل اول این کتاب، با عنوان «نسخه خطی گونه و انواع آن»، گونه‌های نسخه‌های اصل و مسوده‌های مؤلف را توصیف کرده است. تاریخچه‌ای از آداب نسخه‌نویسی، و شواهدی تاریخی از چگونگی کتابت این گونه نسخه‌ها را بیان کرده است. از نظر مؤلف، تطبیق عناصر ظاهری نسخه‌ها، با داده‌های این شواهد و منابع تاریخی به تشخیص اصالت نسخه کمک می‌کند.

میشل جانسون و همکارش رابرت شولمان (۱۹۹۸) در مقاله ای با عنوان «تاریخ گذاری دستخط تازه منتشر شده انشتین» تحقیق گسترده‌ای بر روی یکی از نسخه‌های اصل آثار انشتین انجام داده‌اند. پیش از این تاریخ تحریر این نسخه را نوامبر ۱۹۱۵م عنوان کرده بودند؛ اما این محققان در این مقاله اثبات می‌کنند انشتین اثر خود را در ۱۹۱۹م نوشته است. روش شناسایی اصالت این اثر و تاریخ آن، با توجه به مطالعه دقیق متن، و استفاده از منابع و شواهد تاریخی، و تطبیق این متن با متون دیگر انشتین تعیین شده است. نویسندگان مقاله از روش‌های ذیل برای شناسایی صحیح تاریخ تحریر این اثر استفاده کرده‌اند:

۱. روش تخمین محاسبات این اثر در دسامبر ۱۹۱۵م، توسط دانشمند دیگری به انشتین ارائه شده است. بنابراین او نمی‌توانسته در نوامبر ۱۹۱۵ از آن استفاده کند.

۲. انشتین در برخی محاسبات این اثر، از روش ویل (weyl) استفاده کرده است. استفاده از این روش در هیچیک از آثار او پیش از ۱۹۱۸م دیده نشده است.
۳. برخی از بخش‌های این اثر، خلاصه‌ای از مقاله مشهور انشتین در فوریه ۱۹۱۷ است.

بررسی و ارزیابی

اساس و اعتبار هر نوشتار پژوهشی و علمی مبتنی بر مراجع و مآخذ مورد استفاده در آن است. رجوع به مستندات و مراجع، به خصوص در شناسایی نسخه‌های خطی اهمیت بسیار دارد. محققان با مدد اطلاعات مآخذ، تصویری از مؤلف، آثار او، شرایط زمانی و مکانی محاط بر او، بایسته‌ها و نبایسته‌های دوران او، و اعلام متن نسخه به دست می‌آورند. تطبیق جزئیات این یافته‌ها با محتوا و ظاهر نسخه، به خصوص در شناسایی نسخه‌هایی با مؤلفانی مجهول کمک می‌کند.

تعیین میزان اعتبار و اصالت منابع، یکی از مهم‌ترین وظایف پژوهشگران تاریخ است؛ زیرا این محققان در تحقیقات خود، اصل را بر بی‌اعتباری تمامی منابع، چه منابع دست اول و چه منابع دست دوم می‌گذارند. عناصر و آفاتی مانند غرض‌ورزی؛ فراموش‌کاری، کم‌سوادی، اغراق، علاقه به اوهام و افسانه، تعصبات، اهمال‌کاری نویسندگان منابع، و نواقصی مانند آن، از دید محققان بر اعتبار تمامی منابع سایه می‌افکند. بنابراین پژوهش‌گر تلاش می‌کند با دید انتقادی به تحلیل و پالایش این منابع دست‌یازد. مسأله جعل و تحریف و خطای انسانی را در نظر داشته باشد. یافته‌های منابع را به حقیقت نزدیک کند، و به تحلیل و تفسیر آن پردازد.

در واقع تصویری اعتباری منابع در مقام پژوهش، منافاتی با تصدیق اهمیت مراجعه به منابع در هنگام پژوهش ندارد. نقد محقق درباره‌ی راویان و توثیق مؤلفان، و بررسی صحت اخبار و اطلاعات منابع، و قضاوت در خصوص اولیّه یا ثانویّه بودن منبع، منجر به ارائه‌ی مستندات و شواهد، و کشف مجهولات تاریخی می‌شود. ارزیابی روش‌های تشخیص نسخه‌های اصل، و روش‌مهندسی شناسایی این نسخه‌ها، گامی در جهت نیل به این مقصود است. بررسی این روش‌ها از منظر نقد بیرونی و عوامل ظاهری و مقایسه نسخه‌ها با یکدیگر حائز اهمیت است. همین‌طور روش‌مهندسی

تا حدودی به لحاظ نقد درونی منابع، و تعیین خصوصیات نویسنده و شرایط نگارش و محتوای منبع اهمیت دارد.

نتیجه این روش‌مندی، تا مرحله بررسی دقیق منابع و اطمینان از صحت منبع، با کار پژوهشگر تاریخ مشترک، هم‌سو و هم‌جهت است؛ اما پژوهشگر تاریخ پس از این مرحله و اثبات اصالت و سندیت منابع، می‌بایست شواهد تاریخی خود را از این منابع استخراج کند، به مقایسه این شواهد و چگونگی ارتباط اجزای یافته‌های خود پردازد. محتوای اطلاعات به دست آمده را تحلیل و تفسیر و تعبیر کند. با فرضیات از پیش طراحی شده و نظریات تاریخی مطرح بسنجد. سرانجام با نتیجه‌گیری از یافته‌های خود، مسأله پژوهش خود را پاسخ گوید، و با کشف مجهولات تاریخ، مشکلی از مشکله‌های متعدد تاریخ را حل کند.

یکی از روش‌های تشخیص میزان اعتبار و اصالت منابع، به خصوص نسخه‌های خطی اصل، استفاده از همان عامل مهم "منابع و مآخذ" است. در این روش، از طریق تطبیق اطلاعات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی و محتوا و ظاهر نسخه، با اطلاعات موجود در مآخذ و مراجع معتبر، اصالت نسخه بررسی می‌شود.

روش رجوع به منابع، شاخص‌های گوناگونی برای تشخیص صحیح اصالت نسخه‌ها به دست می‌دهد. به برخی از این شاخص‌ها در ذیل اشاره می‌شود: با بررسی منابع می‌توان به نمونه دست‌خط مؤلف در دیگر منابع خطی و چاپی دست یافت. تطبیق دست‌خط به دست آمده، با خط نسخه مورد بررسی، میزان اصالت نسخه را مشخص می‌کند.

آگاهی از شرح‌احوال مؤلف و مستندات زندگی او، مانند روش نگارش، محل‌های رفت و آمد، مجالست با افراد گوناگون، علایق و تمایلات و وابستگی‌ها، خاستگاه اجتماعی و موقعیت اقتصادی و ... شاخص‌هایی است که از مطالعه منابع به دست می‌آید. این آگاهی‌ها گاهی انتساب نسخه به مؤلف و اصالت آن را مورد تردید قرار می‌دهد، مانند انتساب نسخه‌ای حاوی توصیفات عینی از اماکن گوناگون، به نویسنده‌ای که بنا بر اطلاع منابع، تمامی عمر در محدوده خاصی زندگی می‌کرده است.

از طریق مطالعه منابع و دیگر آثار مؤلف، می‌توان به سبک نگارش و مصطلحات دوره‌های خاص تاریخی، و هم‌چنین عادات و آداب نسخه‌نویسی و تطبیق آن با محتوا و ظاهر نسخه‌های منسوب به آن دوره دست یافت. شناسایی شیوه‌های تقلید جاعلان از روی خطوط مؤلفان با استناد به دیگر منابع جعلی و اصلی به دست می‌آید. تطبیق اطلاعات یادداشت‌های هامش اوراق، و مواد همراه نسخه، با اطلاعات منابع و مراجع گوناگون به تشخیص اصالت نسخه کمک می‌کند. وجود اطلاعاتی از زبان مؤلف در منابع و یا نسخه‌های دیگر در خصوص خط مؤلف بودن نسخه‌ای از آثار وی، و یا تأیید و توثیق مؤلفان منابع دیگر، درباره خط مؤلف بودن بعضی نسخه‌های خاص و ... به تشخیص خط مؤلف در نسخه منجر می‌شود. در نوشتار حاضر برخی از این شاخص‌ها در ضمن سه نسخه خط مؤلف معرفی شده در کتابخانه ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

نسخه مقدمه فرازستان

پیش از این اشاره شد تطبیق اطلاعات نسخه با اطلاعات منابع معتبر یکی از روش‌های شناسایی اصالت نسخه است. برای تشخیص اعتبار منابع، می‌بایست منبع از دو جنبه صحت اخبار و توثیق مؤلف مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا لازم است اضافه شود گاهی اطلاعات موجود در مراجعی با روایانی مخدوش نیز منجر به شناسایی اصالت یا عدم اصالت نسخه‌ها می‌شود. چنین مواردی به خصوص درباره اطلاعات ضمنی این منابع، در باب خصوصیات افراد خودی و درون‌گروهی صادق است.

اصالت نسخه شماره ۶۲۰۴ کتابخانه ملی، با عنوان مقدمه فرازستان را با مدد این روش می‌توان مورد بررسی قرار داد. این مقدمه منسوب به مانکجی لیمجی (مانکچی لیمچی)، پور هوشنگ

هاتریای هندوستانی، ملقب به درویش فانی (۱۲۲۸ق - ۱۳۰۷ق = ۱۸۱۳ - ۱۸۹۰م)^۱ از سران زرتشتی هند و ایران در عصر ناصرالدین شاه قاجار است.^۲

کتاب *فرازستان*، اثر محمد اسمعیل بن محمد علی زند تویسرکانی، کتابدار دستگاه شاهزاده

۱. برای اطلاع از زندگی و شخصیت مانکجی لیمجی، بنگرید به مقاله تفصیلی "مناسبات مانکجی هاتریا با بهائیان (بهائیت و سرویس اطلاعاتی انگلستان)" اثر موسی فقیه حقانی در پیش شماره اول فصلنامه تخصصی فرق و ادیان به صاحب امتیازی پژوهشکده باقرالعلوم (ع) و نشریه ایام ویژه نامه تاریخ معاصر روزنامه جام جم، ۶ شهریور ۱۳۸۶، ش ۲۹. در این مقاله به تفصیل، به ارتباط مانکجی لیمجی با دولت انگلیس از دوران جوانی اشاره می شود. فعالیت های او پس از ورود به ایران در ۱۸۵۴م = ۱۲۷۰ق در قالب تبعه دولت بریتانیا، شامل برقراری ارتباط با عوامل انگلیس در ایران از طریق پرداخت حقوق و مطالبات ایشان، نمایندگی تام الاختیار انجمن اکابر پارسیان هند در ایران، مأمور سازمان فراماسونری در ایران، مؤسس انجمن زرتشتیان یزد، ارتباط نزدیک با بابیان و بهائیان، تأسیس مدارس زرتشتی با معلمان بهایی، فعالیت در زمینه تاریخ سازی، اعمال نفوذ در حکومت قاجار به وسیله بذل و بخشش و اهدای هدایا و الغای حکم جزیه در ایران در ۱۲۹۹ق = ۱۸۸۲م به واسطه فعالیت های او، گرفتن لقب «درویش فانی» از قطب درویش های نعمت الهی در ماهان کرمان، خروج کتاب های خطی کمیاب و سکه از ایران و ... است. در دانشنامه ادب پارسی (۴/ ۲۱۵۴) به خدمات وی برای زرتشتیان هند و ایران اشاره شده است. بخشی از شرح احوال وی در این کتاب به نقل از کتاب تاریخ کرمان از مؤلفی ناشناس است. نویسنده این کتاب را در سال ۱۲۶۸ق نزد مانکجی و برای او نوشته است.

۲. مقدمه فرازستان با نام مانکجی لیمجی به پایان رسیده است؛ اما نمی توان مطمئن بود او این مقدمه را تألیف کرده است؛ زیرا به گواهی کتاب رسایل و رقائم جناب میرزا ابوالفضائل گلپایگانی، مانکجی لیمجی از جمله افرادی است که آثار دیگران را به نام خود ضبط می کرده است. این کتاب حاوی نامه ها و رساله های مختصر ابوالفضل محمد بن محمد رضا گلپایگانی، از داعیان بابیه است. او پس از تجزیه بابیه به ازلی و بهائی، براساس اطلاع خود در این کتاب، در سال ۱۲۹۳ق به بهائیان پیوست. روح الله مهرباخانی که او نیز بهایی است، این کتاب را گردآوری کرده است. یکی از این نامه ها پاسخی از گلپایگانی به نامه میرزارضاخان در پنجم رمضان ۱۲۹۹ق است. میرزارضاخان از پیش قدمان سره نویسی فارسی و نویسنده کتاب *پروز نگارش و مقالاتی در روزنامه اختر اسلامبول* است. گلپایگانی در این نامه از افرادی که توانایی سره نویسی دارند نام می برد. ضمن اشاره به میرزا لطف علی دانش و کتاب او، این چنین برده از روی شخصیت مانکجی لیمجی برمی دارد: "دیگری از مردان کار و سخندان پارسی نگار فرزانه با بینش میرزا لطفعلی (دانش) است که در آغاز زندگانی و روزگار جوانی دانشی نیکو و هنری بسیار یافته و نامه های خوب نوشته است از آن ها یکی نامه (چهل کلمه) است که در چندی پیش برای آموزگاران کودکان پرداخت و نزد فرزانه مانکجی لیمجی پارسی روانه داشت که وی آن را چاپ نموده نزد بزرگان فرستد و آن نامه را در جهان گسترده و خنیده سازد وی نیز دیباچه آن را برداشت و به نام خود به هندوستان و استانبول فرستاد." (مهرباخانی، ۱۹۷۴: ۴۸۱ و ۴۸۲)

جلال‌الدوله (۱۲۳۴ یا ۱۲۴۲-۱۲۸۳ یا ۱۲۸۹ق)^۱ است. محمداسماعیل زند ظاهراً اوایل زرتشتی بوده، پس از درگذشت جلال‌الدوله، از دستگاه او کناره گرفت. فرازستان را در همین زمان، با مطالعه و انتخاب مطالبی از کتب قدیمه تاریخ ایران، در تاریخ پادشاهان باستان از زمان دارا پور داراب تا پایان کار ساسانیان، در سه دفتر نگاشت.^۲

۱. جلال‌الدین میرزا قاجار (۱۲۳۴ یا ۱۲۴۲-۱۲۸۳ یا ۱۲۸۹ق)، پسر پنجاه و پنجم یا پنجاه و هشتم فتح‌علی‌شاه قاجار، شاه‌زاده روشن‌فکر ضد‌مذهبی این دوران، از پیشگامان سر‌نویسی، و رئیس حقیقی فراموشخانه میرزا ملکم‌خان، صاحب آثاری چون نامه خسروان، سیمین‌نامه، غزلیات (برای آگاهی بیشتر از اندیشه‌های وی بنگرید به مقاله "روایت و فراروایت تاریخی در اندیشه جلال‌الدین میرزا قاجار"، حسین آبادیان، فصل‌نامه فرهنگ (ویژه تاریخ)، ۱۳۸۷، ش ۶۸، ص ۱-۴۰)

۲. چگونگی نگارش کتاب فرازستان توسط محمداسماعیل زند، در کتاب رسائل گلپایگانی، ضمن رساله مختصری در پاسخ به سه سؤال ادوارد براون از گلپایگانی ثبت شده است. گلپایگانی این رساله را در ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۱۳ق، پس از تصنیف رساله ایوبیه در سال ۱۳۰۵، و ترجمه و چاپ آن توسط براون در سال ۱۳۱۲ق نوشته است. گلپایگانی در پاسخ سؤال سوم براون مبنی بر تعیین مورخ کتاب تاریخ جدید، معروف به تاریخ مانکچی زردشتی چنین می‌نویسد: "مسأله ثالثه استفسار از مصنف تاریخ جدید و کاتب مصنف تاریخ جدید مرحوم میرزا حسین همدانی است و او جوانی بود از منسوبین رضاخان پسر محمدخان ترکمان ... پس از استخلاص از سجن طهران در دفترخانه مانکچی زردشتی مشهور به کتابت مشغول گشت و مانکچی او را نیک محترم می‌داشت شبی او و محمداسماعیل خان زند که در پارسی‌نگاری دبیری هنرمند بود بضيافت مهمان مانکچی بودند. مانکچی از این دو خواهش نمود که هر یک کتابی تصنیف نمایند زیرا که او در جمع کتب سعی بلیغ داشت و هر که را قادر بر انشاء و تحریر می‌یافت به تألیف کتاب و انشاء دفتری می‌گماشت لذا در شب مذکور از محمداسماعیل خان خواهش نمود که او تاریخ پادشاهان عجم را بنگارد و از میرزا حسین متمنی شد که وی تاریخ حالات بابیه را تصنیف نماید و خلاصه‌القول محمداسماعیل خان کتاب فرازستان را به زبان پارسی خالص در سلطنت قدیم ایران از آغاز مه‌آباد تا انقراض ساسانیان پرداخت و در حقیقت آن کتاب را انبانی از اوهام و افسانه‌های شاهنامه و چهارچمن و دساتیر ساخت" (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ۸۲-۸۶)

همین‌طور گلپایگانی درباره شخصیت محمداسماعیل زند، در نامه به میرزارضاخان ضمن اشاره به نام سر‌نویسان چنین نوشته است: "دیگری از پارسی‌سرایان هند محمداسماعیل زند است و از این راه گرفتار هزارگونه رنج و گزند این مرد نمشته‌های پنداری پارسی‌کیش و تازی‌آئین را گرد کرده و از هر دو روشی برای خود گزیده است اکنون به آمیغ در سمرادآباد این دو کیش شهرند است خود را بپارسی هر‌مزدیار خواند و نژاد خویش را به خسروان کیان رساند، و در زنده کردن آئین آبادیان و تازه‌نمودن روش نیاکان کوشش بی‌اندازه دارد. هنوز بر روش گذشتگان گمان اینست که آسمان‌ها مانند پیاز تو بر توست و جنبش هر ستاره به جنبش آسمان او هنوز چشم‌به‌راه است که (بهرام هماوند) بیاید و کیخسرو از دیده‌ها ناپدید گشته آشکار شود و جهانیان را بر آئین و کیش گبران آرد." (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ص ۴۸۲)

زبان *فرازستان* فارسی قدیم، و مشحون از عبارات نامأنوس و لغت‌های غامض است. به همین منظور مانکجی ادعا می‌کند، برای درک ارباب دانش، این مقدمه را بر دفتر اول آن، با همراهی همسر خود فرنگیس دختر هرمزدیار خسرو باندار کرمانی، در ۶۶ فقره و ۱۲ نظر، به نام ناصرالدین شاه نوشته است. در پایان کتاب وعده می‌دهد، بر دو دفتر دیگر نیز مقدمه بنویسد، و به طبع برساند، و فرهنگ لغات مشکله را در آخر دفتر سوم بیاورد. این مقدمه بیشتر درباره عقاید زرتشتیان و وقایع تاریخی است. نسخه مورد نظر ما پاکیزه است. انجام مؤلف مورخ ۸ رجب ۱۳۰۲ق، در پایان کتاب، و نام مانکجی و همین تاریخ در پایان دیباچه (ص ۲ب) آمده است. (تصویر ۱)

متن انجام نسخه چنین است: "و آن را خدمت اهل علم مایه سرافرازی خود خواهد دانست چنانچه فرموده‌اند. باهل حرف باید گفت اهل حرفه بسیار است بخواموشی ادا کردم سخن را نیست پایانی تمام شد مقدمه *فرازستان* بدست کمین بنده یزدان مهربان محکوم مازدیسنان کیانی مظلوم مسافر (مانکجی لیمچی) پورهوشنگ هاتریای هندوستانی الملقب بدرویش فانی در دارالخلافه طهران در یوم آذرایزد از آذرماه هزار و دوست و پنجاه و چهار ۱۲۵۴ یزدگردی [=۱۲۶۴ش] مطابق هشتم شهر رجب المرجب ۱۳۰۲ هجری مقارن آبریل ماه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج (۱۸۸۵) عیسوی " وجود این انجام، دو احتمال خط مؤلف بودن نسخه، و یا اختتام آن با عبارت انجام مؤلف توسط کاتب نسخه را مطرح می‌کند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تاریخ تألیف، یا تحریر این نسخه، اوایل سده ۱۴ق است. بنابراین توجه به ظواهر نسخه هم‌چون علایم و آب‌نقش‌ها، جنس کاغذ و مرکب و ...، برای تشخیص صحیح اصالت آن، کاربرد ندارد. در این نسخه همه علایم جدید است. متن کتاب با خط نستعلیق زیبا، و با مرکب پر رنگ و قوی، و در کاغذی فرنگی نوشته شده است.^۱ بنابراین

۱. مانکجی به ظاهر آراسته نسخه‌های خطی و کتاب‌های چاپی توجه داشته است. در کتاب رسائل متن نامه او به میرزا رضاخان، مورخ غره ربیع‌الاول ۱۲۹۹ق چاپ شده است. او در این نامه از میرزارضاخان می‌خواهد: "نامه‌ای در بازنمودن زبان پارسی از تازی و جداکردن واژه ایرانی از حجازی پردازید ... زیرا که این بیچارگان ایرانی از آمیختن زبان تازی پارسی نه‌چندان از

ظواهر نسخه با مصادیق کتابت، در زمان مؤلف کاملاً مطابق است. جستجو در منابع و مآخذ، شاید تنها گزینه‌ای باشد که از طریق آن بتوان به نتیجه رسید.

از این کتاب، دو نسخه دیگر، یکی در کتابخانه آستان قدس و دیگری در کتابخانه مجلس موجود است. نسخه آستان قدس به شماره (۹۲۲)، همانند نسخه ما، تاریخ رجب ۱۳۰۲ ق دارد. فهرست‌نویس این تاریخ را به‌عنوان تاریخ تألیف ثبت کرده است. همین‌طور به یادداشتی در پایان نسخه با این عبارت اشاره می‌کند: "در پایین برگ آخر سه سطر است به خط گجراتی، گویا دست‌خط مؤلف باشد و گمان می‌رود که تاریخ نوشتن نسخه نیز در ۱۳۰۲ بوده" (اوکتایی، ۱۳۲۵: ۴/۲۲۵)

نسخه کتابخانه مجلس با شماره ۸۴۵۴ برای اهدا به امین‌السلطان کتابت شده است. فهرست‌نویس مجلس، نسخه را خط مؤلف انگاشته است. (جعفر حسینی اشکوری، ۱۳۸۸: ۵۲/۲۸) نسخه تاریخ آذر ۱۲۵۶ یزدگردی [=۱۲۶۶ش] = سلخ رجب ۱۳۰۴ ق = ۲۴ آپریل ۱۸۸۷ م دارد. بنابراین ظاهراً دو سال بعد از نسخه ما نوشته شده است. آنچه در نگاه اول و پیش از هرچیز جلب توجه می‌کند، تاریخ نسخه ما و نسخه مجلس در ماه رجب، و آپریل و روز آذر از آذرماه است. (در فهرست آستان قدس جزئیات تاریخ کامل نوشته نشده است. به‌نظر می‌آید این نسخه هم خصوصیت مشابهی داشته باشد.) اما نسخه ما با نسخه کتابخانه مجلس دو سال تفاوت تاریخ دارد. رؤیت نسخه مجلس نشان داد، تاریخ این نسخه مخدوش است، و در اصل تاریخی مشابه دو نسخه قبلی دارد. کاملاً واضح است عدد ۲ در تاریخ ۱۳۰۲ در این نسخه به عدد ۴ تبدیل شده است. همین‌طور عدد ۶ در ۱۲۵۶، از تغییر عدد ۴ به ۶ به‌دست آمده است. تاریخ میلادی، به حروف نوشته شده است. آثار محو شده عدد پنج، در هزار و هشتصد و هشتاد و پنج هنوز باقی است. در کنار این اثر پاک شده قلم، عدد هفت به حروف نوشته شده است. هم‌چنین عدد ۲ در تاریخ ۱۳۰۲

دانش‌پذیری و شناخت آمیغ‌های هستی دورمانده‌اند که توان در خامه آورد یا در نامه گنج‌ناید ... هرآینه در خوبی کاغذ و نگارش و چاپ کردن آن به‌اندازه توان کوشش خواهید فرمود که به‌زودی در همه انجمن‌ها پذیرفته آید و سالیان بسیار در نامه‌خان‌ها به‌یادگار بماند. (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ص ۴۶۶)

در پایان دیباچه نیز بدل به ۴ شده است. (تصویر ۲) این نسخه به علی اصغر بن ابراهیم امین السلطان (۱۲۷۵-۱۳۲۵ق) پیشکش شده است. بنابراین نسخه کتابخانه مجلس نیز تاریخی مشابه تاریخ نسخه ما و نسخه آستان قدس دارد. این که چرا این تاریخ را مخدوش کرده‌اند، بر نگارنده معلوم نیست. امین السلطان پس از درگذشت پدر در سال ۱۳۰۰ق، به لقب وی، یعنی همان امین السلطان، ملقب شده است. نسخه مجلس، یا با تاریخ ۱۳۰۲ق به امین السلطان پیشکش شده است. در این صورت سؤال اینست که چه لزومی دارد تاریخ به ۱۳۰۴ق تغییر یابد، و یا این که در نهایت بی سلیقه با تاریخ مخدوش به امین السلطان پیشکش شده است. شاید بتوان علت را در ملاقات مانکجی با امین السلطان در سال ۱۳۰۴ق جستجو نمود. احتمال دارد او برای این ملاقات، تاریخ نسخه مورخ ۱۳۰۲ را به ۱۳۰۴ق تغییر داده و به امین السلطان اهدا کرده باشد.

به هر حال آنچه تا کنون روشن شده است، این که هر سه نسخه موجود از مقدمه فرازستان، سری نویسی از روی یکدیگر، و مختوم به انجام مؤلف، و بدون ذکر تاریخ کتابت است. و آنچه نیاز به بررسی بیشتری دارد، تشخیص خط مؤلف بودن نسخه است.

هم نسخه ما و هم نسخه مجلس ظاهری آراسته دارد، و به خط نستعلیق زیبای ایرانی نوشته شده است. دسترسی به نسخه آستان قدس میسر نشد؛ لکن به نوشته فهرست نویس، آن هم به خط نستعلیق است، عناوین سرخ و جلدی مخملین دارد. بنابراین هر سه نسخه پاکیزه و خوش خط است. در نسخه ما قلم گرفتگی و تراشیدگی بعضی عبارات، و تصحیح‌هایی به خط کاتب در حاشیه مشهود است. این مسأله احتمال خط مؤلف بودن نسخه را کم می‌کند؛ لکن آنرا به کلی رد نخواهد کرد. در این میان نکته‌ای ظریف بیش از همه جلب توجه می‌کند، و آن نگارش خط نستعلیق به شیوه ایرانی، از سوی کسی است که در سن ۴۱ سالگی، برای اولین بار، به ایران آمده است. خوشبختانه در مراجع تاریخی معتبر و نامعتبر، به فراز و فرود سرگذشت مانکجی و تسلط او به خط و زبان فارسی اشاره شده است.

یکی از منابع دست‌اول؛ اما نامعتبر دوران مانکجی به جهت عدم توثیق مؤلف، کتاب رسائل و رقائم جناب میرزا ابوالفضائل گلپایگانی است. گلپایگانی، از داعیان بایه، در این کتاب، ضمن

پاسخ به سؤال سوم ادوارد براون مبنی بر تعیین مورخ کتاب تاریخ جدید، توضیح جامعی درباره عادت‌ها و شخصیت مانکجی به دست می‌دهد:

"... عادت مانکجی این بود که مطلبی را به منشی می‌گفت بنویس و مسوده آن را بمن بخوان، و نخست منشی مسوده‌ای را که به سلیقه خود و قریحه درست ترتیب داده بود به او می‌خواند، و پس از اکتار و تقلیل عبارت و جرح و تعدیل مطلب در مسوده به بیاض می‌برد، و چون مانکجی را در خط و لسان پارسی حظی و علمی نبود، از این راه اکثر کتب و رسایلی که به او منسوب است، عباراتش غیرمرتبط و گسیخته و زشت و زیبا بهم آمیخته است." (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ۸۴ و ۸۵)^۱

۱. گلپایگانی در این نامه به فعالیت تاریخ‌سازی مانکجی، و دستور او به میرزا حسین همدانی برای نگارش تاریخ بهائیان اشاره می‌کند. همدانی در تدوین این کتاب از گلپایگانی راهنمایی می‌خواهد. گلپایگانی او را به تاریخ میرزاجانی کاشی تاجر، و ضبط تاریخ دقیق سنین آن از روی ناسخ‌التواریخ و ملحقات روضه‌الصفا حواله می‌دهد، و به خواهش میرزا حسین، دو صفحه آغازین کتاب را می‌نگارد. میرزا حسین پس از نوشتن جلد اول کتاب در ۱۲۹۹ق در رشت می‌میرد. به نوشته گلپایگانی مانکجی اجازه نمی‌دهد تاریخ بدان گونه که گلپایگانی طراحی کرده بود پایان یابد. میرزا حسین مجبور می‌شود تاریخ املا شده توسط مانکجی را بنگارد؛ زیرا اطلاعات مانکجی از خط و زبان فارسی زیاد نبوده، و مطالب خود را به منشیان فارسی‌زبان خود املا می‌کرده است. (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ۸۲-۸۷؛ مقاله فقیه حقانی)

مرحوم محیط طباطبایی پژوهشی جامع و مفصل در خصوص کتاب تاریخ بهائیان، در چند شماره مجله گومر انجام داده است. وی کیفیت تحول این تاریخ و تغییر شکل ظاهری آن از صورت تاریخ قدیم بی نام و نشان موجود در دست بایه مورخ ۱۲۷۰ق، به صورت تاریخ جدید مورخ ۱۲۹۰ق، و مقاله سیاح مورخ ۱۳۰۳ق، و کواکب الدریه مورخ ۱۳۴۲ق و سرانجام متن انگلیسی تاریخ منسوب به نبیل زرنندی در ۱۹۲۷م، و اتفاقات تاریخی منجر به این تغییرات اساسی در متن کتاب را بررسی کرده است. مرحوم طباطبایی اعتقاد دارد در تحریر جدید بسیاری از اقوال ملکم و بسیاری از نوشته‌های میرزا ابوالفضل گلپایگانی به کتاب راه یافته است. وی در تحریر جدید این کتاب، برای گلپایگانی نقشی بسیار فراتر از نگارش مقدمه کتاب قائل است. او معتقد است اسلوب کلی تحریر تاریخ جدید به نوشته‌های گلپایگانی بسیار شبیه است. بنابراین نمی‌توان در اهمیت نقش میرزا ابوالفضل در تدوین تاریخ جدید تردید روا داشت، و اثر فکر و قلم او را در این تاریخ انکار کرد. برخلاف گفته گلپایگانی، مرحوم طباطبایی معتقد است در آثار مختلف مانکجی هاترایا نشانه‌ای مبنی بر دخالت او در کار تدوین تاریخ جدید مشاهده نمی‌شود. (محیط طباطبایی، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵)

در کتاب *رسائل* به نامه میرزارضاخان^۱ به مانکجی، و نامه مانکجی در پاسخ او اشاره شده است. گلپایگانی در نامه دیگری به میرزا رضاخان از این راز پرده برمی‌دارد که نویسنده نامه مانکجی در پاسخ به رضاخان، خود اوست نه مانکجی؛ زیرا اساساً مانکجی از زبان فارسی بهره‌ای ندارد:

" تا آن که در چند روز پیش مرا فرزانه مانکجی لیمچی پارسی بخواند و نامه روز دین‌ایزد از تیرماه یزدگردی سرکار را که به او نگاشته بودید بنمود و خواهش نگاشتن پاسخ آنرا از من بنده بفرمود زیرا که خود بهره‌ای از نوشتن و خواندن پارسی ندارد و جز در زبان گجراتی و انگلیسی از خواندن و نگاشتن بهره ندارد^۲ لابد برای این خواهش وی پاسخ نامه روز اسفندارمزد از شهریورماه را که دیده‌اید نگاشتم و بر آن سو روانه داشتم و چون در این درپاره چم‌های باریک است که روشن داشتن آنرا در فرگاه آن‌سرور دانشور بایسته و گِرور می‌دانم ناچار بنگارش این نامه رنج‌فزا گشتم و بدرزای سخن دردرس افزودم"

(مهرابخانی، ۱۹۷۴: ۴۶۹)^۳

توضیحات این منبع نشان می‌دهد، متن هیچ‌یک از این سه نسخه به خط مانکجی لیمچی نیست. با این اطلاعات چه بسا، نگارش این مقدمه به دست مانکجی نیز مورد تردید قرار گیرد. مگر این که

۱. به پانویشت شماره ۲ بنگرید.

۲. علاوه بر این مانکجی در نامه‌ای خطاب به میرزا رضاخان، اقرار می‌کند که او و نزدیکانش زردشتیانی هستند که زبان پهلوی نمی‌دانند: "زبان پارسی خود در زیر هنادی استوار بوده که هنگام دست‌یافتن بیگانگان بر ایران و سوختن نامه‌خان‌ها از میان رفته است و به زبان پهلوی هنوز هم نامه در نامه‌خانه بنده است. افسوس که از خواندن پهلوی بهره‌ای ندارم و دیگران هم نتوانند خوانند" (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ۴۶۶)

۳. گلپایگانی در نامه مورخ ۱۲۹۹ق به میرزارضاخان اشارات دیگری به ناتوانی مانکجی در زبان فارسی دارد. علی‌رغم این ضعف، مانکجی برای فعالیت در میان جامعه فارسی‌زبانان ناگزیر از فارسی‌نویسی سفارشی است. نوروژنامه او به زبان فارسی سره از این جمله متون سفارشی است. گلپایگانی درخصوص غرابت و غلط‌های این متن چنین می‌نگارد "نوروژنامه امسال فرزانه مانکجی لیمچی پارسی را که سرکار فرموده‌اید در گرامی روزنامه اختر چاپ کنند یکباره پارسی‌نگاران را از همه سو نومید ساخت چه نامه بدان‌سان نادرست هرگز کس ننگاشته (جمشید بافرهید) کدام است و (به‌دینان را بی‌ریائی این جشن شایسته بایست پرمود) چه آرش دارد اگر آن نامه را کس بیوشش زبان این روزگار درآرد آن‌گاه سستی گزارش‌های زشتش آشکار می‌گردد و نادرستی آن نگارش بی‌آرش روشن و هویدا می‌شود" (مهرابخانی، ۱۹۷۴: ۴۸۳)

بتوان تصور کرد کتاب ترجمه‌ای از زبان گجراتی یا انگلیسی به فارسی، و یا املائی مانکجی به منشی خود، و نگارش آن توسط منشی به زبان فارسی است. در این صورت ممکن است بتوان در نسخه مجلس و آستان قدس نشانی از خط مؤلف جستجو کرد. همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در پایین برگ آخر نسخه آستان قدس سه سطر به خط گجراتی نوشته شده است. فهرست‌نویس احتمال داده این خطوط دست خط مؤلف باشد. در ذیل انجام نسخه مجلس، نیز امضا و دست خطی به همان زبان دیده می‌شود. قرائت این یادداشت به روشن شدن این مسأله که این دست خط به مانکجی تعلق دارد یا خیر کمک خواهد کرد. همین‌طور در پایان نسخه مجلس، یادداشت اهدای کتاب به امین‌السلطان به خط کاتب نسخه، مههور به مهر هشت گوش مانکجی با نشان «یانک جی لیم جی» مشاهده می‌شود. اگر این هر دو سند به واقع به مانکجی تعلق داشته باشد، و این مقدمه توسط او تدوین شده باشد، اصالت این دو نسخه به جهت وجود دست خط و مهر مانکجی ثابت خواهد شد. اگرچه این اصالت به سبب آشنا نبودن او با خط فارسی، نمی‌تواند وثاقت اثر را اثبات کند. به هر حال آن‌چه مسلم است این که، نسخه کتاب‌خانه ملی نشانی از خط مؤلف ندارد.

نسخه مدینه العلوم

نمونه دیگری از نسخه‌هایی که می‌توان در آن با کمک روش کسب اطلاعات از مآخذ، نشانی از خط مؤلف جستجو کرد، نسخه ش ۳۴۳ کتاب‌خانه ملی با عنوان *مدینه العلوم* است (انوار، ۱۳۷۹: ۷ / ۳۰۸) موضوع این کتاب طبقات علوم و نویسندگانی است که با آثارشان در تکامل علوم نقش اساسی داشته‌اند. نام کتاب در ص ۲ب نسخه ضمن این عبارت آمده است: "... و سمیت الكتاب بمدینه العلوم و رتبه علی مقدمه و طرفین و خاتمه..."

نسخه به خط تحریری بد نوشته شده و شبیه مسوده است، و خط خوردگی دارد. با یادداشت مؤلف به قرار ذیل به پایان رسیده است: "نجز الكتاب علی طریقه الاملاء علی الاصحاب فی یوم السبت الموفی للعشرین من شهر صفر ختم الله بالخیر و الظفر المنخرط فی سلک شهر سنه ثمان و ستین و تسعمائه الهجریه النبویه علیه افضل الصلوة و التحیه و وقع ذلك الاملاء من لسان العبد الفقیر

الى الله الجليل احمد بن مصطفى بن خليل عفى الله عنهم بلطفه الجميل و كرمه الجزيل بمحروسة قسطنطينيه حفت بالبركات السنيه و الحمد لله رب العالمين و الصلوة على نبيه محمد سيد المرسلين و على آله و صحبه اجمعين و على من شيعتهم الى يوم الدين و حسبنا الله و نعم الوكيل و لاحول و لا قوة الا بالله العلي العظيم تمت"

بر اساس اطلاع اين يادداشت، مؤلف احمد بن مصطفى بن خليل است، و در تاريخ ۲۰ صفر ۹۶۸ق كتاب را تأليف يا املا کرده است. (تصوير ۳) در اعلام قرن ۱۰ق، تنها به يك احمد بن مصطفى بن خليل اشاره شده است، و او كسى نيست به جز ابوالخير احمد بن خليل طاش كوپرى زاده (۹۰۱-۹۶۸ق)

بررسی اولیه مراجعی هم چون اعلام زرکلی، هدیة العارفين، معجم المؤلفين، كشف الظنون، ايضاح المكنون و ... نشان داد در ذیل آثار طاش كوپرى زاده كتابی به نام مدینه العلوم ثبت نشده است.

این احتمال که ممکن است كتاب با نام دوّمی در منابع آمده باشد، نگارندگان را وادار به بررسی موضوعی آثار طاش كوپرى زاده كرد. در ذیل آثار او، عنوان دیگری در موضوع طبقات العلوم به نام مفتاح السعادة و مصباح السیادة با تاریخ تألیف ۹۴۸ق به دست آمد. در فهرس خطی ایران نشانی از این نسخه مشاهده نشد؛ لکن خوشبختانه مفتاح السعادة در هند و مصر چاپ شده است، و این متن چاپی در كتابخانه های ایران قابل دسترس است. تطبیق متن نسخه مدینه العلوم كتابخانه ملی و متن چاپی مفتاح السعادة به خوبی نشان می دهد، مدینه العلوم تلخیصی از مفتاح السعادة و مصباح السیادة است.

کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور، مصححان و محققان مفتاح السعادة و مصباح السیادة، چاپ "دارالکتب الحدیثه" در قاهره، در مقدمه مبسوط و عالمانه ای بر این کتاب، به تفصیل از مدینه العلوم یاد کرده، و اثبات کرده اند طاش كوپرى زاده خود، مفتاح السعادة را با عنوان مدینه العلوم مختصر کرده است. در این مقدمه، ایشان از دو كتاب اجدالعلوم نوشته صدیق حسن خان، و موسوعات العلوم العربیه از احمدزکی یاد کرده اند، و با این مضمون استدلال می کنند:

این نویسندگان در این دو اثر به کرات از *مفتاح السعادة* و *مدینه العلوم* یاد کرده‌اند؛ لکن به اشتباه، تصور کرده‌اند مؤلف *مدینه العلوم* ارنیقی است. مراجعه به منابع نشان می‌دهد شخصی به نام ارنیقی وجود خارجی ندارد. تنها در منابع از دو نفر به نام ارنیقی (منسوب به شهر نیقیه در آسیای صغیر) یاد شده است: ۱. قطب‌الدین ارنیقی، ۲. محمد بن قطب‌الدین ارنیقی. این دو نفر مقدم بر طاش کوپری‌زاده بوده‌اند، و وی شرح کوتاهی از این دو در کتاب خود آورده است. پس این دو نمی‌توانند مؤلف کتاب *مدینه العلوم* باشند. صدیق حسن‌خان اشاره کرده است ارنیقی شاگرد قاضی زاده محمود رومی است. بدیهی است این اشاره صحیح نیست؛ زیرا محمود رومی پسر قاضی زاده است نه خود او. طاش کوپری‌زاده شرح حال او را در *الشقائق النعمانية* ذکر کرده است. از دیگر منابعی که به نام *مدینه العلوم* اشاره دارد، تاریخ آداب اللغة العربیة (۳/ ۳۳۸) است. جرجی زیدان در این کتاب توضیح می‌دهد طاش کوپری‌زاده *مفتاح السعادة* را مختصر کرد و *مدینه العلوم* نامید. بروکلمان در کتاب *Cesehichte der Arabischen Literatur* از دیگر کسانی است که می‌گوید *مدینه العلوم* مختصر *مفتاح السعادة* است. دلیل کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور، بر انتساب هر دو کتاب به طاش کوپری‌زاده، عبارتی ناظر بر تاریخ تألیف کتاب *مفتاح السعادة* در ص ۳۲۸ جزء اول آن، و تکرار عین این عبارت در نسخه *مدینه العلوم* بدین قرار است: «و اعلم انه منذ وفاة جالینوس الی هذا التاريخ و هو ثمان و اربعون و تسعمائة من هجرة نبینا محمد (علیه الصلاة السلام) الف و اربعمائة سنة و ستة و سبعون سنة تقریباً» بنابراین طاش کوپری‌زاده *مفتاح السعادة* را در پایان حیاتش تلخیص نموده، و در همان سال درگذشتش، یعنی ۹۶۸ق، بر دوستانش املا کرده، و در پایان آن یادداشت املا نوشته است.

دو نسخه از *مدینه العلوم* در کتابخانه خدیویه مصر وجود دارد. یکی از این دو با شماره ج ۵۷۱۳ تاریخ رجب ۱۰۰۵ق دارد. تاریخ کتابت نسخه دوم، با شماره ۴۹ فن

۱. تاریخ ۱۴۷۶ اشاره به سنوات درگذشت جالینوس تا زمان تألیف کتاب *مفتاح السعادة* دارد.

مکتوبات (کتابداری)، ۱۱۱۴ق است، و از روی نسخه مورخ ۱۰۶۹ق استنساخ شده است. (به نقل از بکری، ۱۹۶۸، مقدمه)^۱

در انجام این نسخه دوم، و یادداشت ذیل آن، صرف نظر از نام کاتب و تاریخ کتابت، تقریباً همان عبارات پایانی نسخه ما به شرح ذیل آمده است:

"نجز الكتاب على طريقة الاملاء على الاصحاب ضحوية الربوع الخامس عشرين جمادى الآخر سنة ۱۱۱۴ کاتبه فقير حقير محمدنور الاثنين رابع عشر شهر الله الاصم من شهر سنة ۱۰۶۹"

در یادداشت ذیل آن چنین نوشته شده است:

"فی نسخه أخرى مانصه بعد لفظ الاصحاب " فی يوم السبت الموفی للعشرين من صفر ختم الله بالخیر و الظفر المنخرط فی سلک شهر سنة ۹۶۸ من الهجرة النبویه و وقع ذلك الاملاء من لسان العبد الفقير الى الله الجليل احمد بن مصطفى بن خليل عفی الله عنهم بلطفه الجزيل و کرمه الجميل بمحروسة قسطنطينيه خصت بالبرکات السنيه " محمد البدری"

۱ کامل بکری و عبدالوهاب ابوالنور در مقدمه همین چاپ به تلخیص دیگری از کتاب مفتاح السعادة و مصباح السیادة نوشته خلیل رومی حنفی معروف به صولاقزاده (د: ۱۰۶۸ یا ۱۰۹۵ق)، با عنوان مختصر موضوعات العلوم اشاره می کنند. نسخه خطی این تلخیص دوم به شماره ۸۴ معارف عامه در کتابخانه جامع الازهر موجود است. ایشان هم چنین عقیده دارند کتاب ابجد العلوم حسن خان اختصار سوّمی از مفتاح السعادة و مصباح السیادة است. چاپ اقدم مفتاح السعادة، چاپ هند است. ابتدا تا پایان دوحه ۶ در دو جلد، در دائرةالمعارف نظامیه در ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ چاپ شده است، و سپس جلد سوّم آن، یعنی دوحه ۷، در ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است. چاپ اخیر این کتاب توسط دارالکتب العلمیه در بیروت به سال ۱۴۰۵ق انجام شده است. متن کامل این چاپ در نشانی http://www.dorar.net/book_index/1939 قابل دسترسی است. همین طور متن کامل ابجدالعلوم قنوجی در نشانی

<http://www.islamicdoc.org/dl/other.html?sobi2Task=sobi2Details&catid=13&sobi2Id=79>

قابل دسترسی است. ترتیب کتاب مدینه العلوم و تقسیمات آن در صص ۹-۲۰ مجلد دوم این کتاب به تفصیل ذکر شده است. کمال الدین محمد طاش کوپری زاده (طاش کبری زاده) (د: ۱۰۳۲ق)، فرزند مؤلف، این کتاب را با عنوان موضوعات العلوم به ترکی ترجمه کرده، و الحاقات زیادی به آن افزوده است. تقسیمات علوم آن را از صد و پنجاه نوع، به پانصد نوع رسانده است. در تحقیقات جدید، دکتر شعبان خلیفه و ولید محمد العوزه برای مفتاح السعادة و مصباح السیادة، کتاب شناسی و ارزیابی و کتاب سنجی و کشف با عنوان دراسة بیوجرافیه بلیوجرافیه بلیومتریه و کشفات تدوین کرده اند.

روشن است محمد بدری، نویسنده این یادداشت، یا اصل نسخه دارای یادداشت املای مؤلف را دیده است، و یا نسخه‌ای مختوم به یادداشت مؤلف از نظر او گذشته است. عبارات پایانی نسخه ما نیز مطابق عبارات پایانی نسخه‌ای است که محمد بدری دیده است. نسخه ما هم با یادداشت مؤلف پایان پذیرفته است.

دقت در مفهوم این یادداشت نشان می‌دهد، نسخه مسوده و به خط مؤلف نیست. اشاره مؤلف به املا و خواندن نسخه بر یارانش، از کتابت نسخه به خط یاران مؤلف، و تحریر یادداشت املا به خط مؤلف حکایت می‌کند. در نسخه ما خط متن و خط یادداشت یکسان است. بنابراین هر دو توسط کاتب نسخه نوشته شده است. کاتب نسخه می‌تواند یکی از یاران و شاگردان مؤلف باشد، هم چنین امکان دارد نسخه سال‌ها بعد، توسط کاتب دیگری نوشته شده باشد. فرضیه تحریر دوباره نسخه توسط مؤلف، و تصحیح آن پس از املا، با توجه به ظاهر آن، نیاز به بررسی جزئیات بیشتر و فراین دقیق‌تری دارد.

در نسخه‌های مسوده، مؤلف به جهت تصحیح مفاهیم، یا تغییر عبارات به منظور افاده بیشتر مطالب، جابه‌جایی بندها، کاستن یا افزودن مطالب و مانند آن، در نوشته خود تجدیدنظر می‌کند، و روی برخی عبارات خط می‌کشد. تصحیحاتی مانند غلط نوشتن کلمه و خط‌زدن آن، جا انداختن چند سطر و خط‌زدن جملات نوشته‌شده بعد از این سطور، اشتباه نوشتن چندین صفحه و یا تکرار مطالب و خط‌زدن روی آن، از مواردی است که معمولاً در نسخه‌های مسوده به چشم نمی‌خورد.

خط‌خوردگی‌های نسخه ما بیشتر از نوع دوم است. متن *مدینه‌العلوم* تقریباً همان متن *مفتاح السعاده* با پیراستن و حذف برخی توضیحات اضافی است. در برخی موارد خاص، گاهی توضیحاتی اضافی در *مدینه‌العلوم* آمده است که متن *مفتاح السعاده* فاقد آن است. مانند خاتمه *مدینه‌العلوم* با عنوان "فی شرائط الطریقه و آدابها". به جز این موارد، مقابله متن اصل و خلاصه نشان می‌دهد صفحات متوالی و متعدد این دو کتاب، بدون تغییر حتی یک کلمه، کاملاً به هم شبیه است.

آغاز هر دو کتاب و خطبه آن، تا عبارتی که خلاصه‌کننده، متن ملخص را به نام *مدینه‌العلوم* می‌نامد (ص ۲ در نسخه ما) یکسان است. با توجه به این مقدمه به نظر می‌رسد کاتب نسخه ما،

برخی قسمت‌های *مدینه العلوم* را عیناً از روی *مفتاح السعادة* استنساخ می کرده است. این اضافات همان قسمت‌هایی است که کاتب روی آن خط کشیده است، و بعد از کتابت متوجه شده این قسمت‌ها در متن *مدینه العلوم* نیست. مثلاً در ص ۱۴۹ در ذیل علم الباه، کاتب مطالبی از *مفتاح السعادة* به نسخه افزوده است. سپس روی آن خط کشیده و در حاشیه به جای آن نوشته است (غیر ذلک)، همین طور در صفحه ۱۵۰ در همین موضوع، حدود ۱۳ سطر از *مفتاح السعادة* تحریر کرده، و زمانی که متوجه شده این قسمت‌ها در *مدینه العلوم* نیامده، روی آن خط زده است. (تصویر ۴) علاوه بر آن، نسخه ما دارای تصحیحات و اضافات زیادی در حاشیه است. مثلاً در حاشیه ص ۲۵۱، کاتب مطالبی در باب علمای حنفی از *مفتاح السعادة* نوشته است. به نظر می رسد می خواسته اطلاعات بیشتری به خواننده بدهد، و یا برای خود یادداشت بردارد. اگر تصور کنیم نسخه ما اصل است، چرا می بایست مؤلف، با وجودی که هر دو کتاب را در اختیار داشته، چنین دخل و تصرفاتی در نسخه خود کند؟

کاتب مواردی چون افتادگی‌ها و تصحیح اغلاط را در حاشیه با نشان صح و یا با علامات ط؟، یا ۶ و یا ۷ تصحیح کرده است. مثلاً در ص ۲۵۸ متن، اعراب واژه قحزم را با عبارت «بفتح القاف و سکون الهاء» نوشته است، و در حاشیه الهاء را به الحاء تصحیح کرده است. همین طور، در جایی که در حاشیه، مطالبی از غیر مؤلف، و یا از خود می نوشته است، علامت متداولی در حاشیه نسخه‌های خطی، شبیه پنج عمودی برعکس، می گذاشته است. این در حالی است که تمام این حواشی، به خط کاتب متن است. این تمایزات و تصرفات روشن می کند کاتب نسخه ما، شخصی غیر از مؤلف کتاب است.

کاغذ نسخه ما فرنگی است. آب نقش‌هایی بدون تاریخ، و طرحی قدیمی دارد. این نقوش در صفحات ۹۴ و ۱۱۴ و ۱۲۲ و ۱۳۲ و ۱۴۰ و ۱۵۶ و ۱۶۴ و ۲۰۴ و ۲۳۸ قابل ملاحظه است. نسخه ما در ایران منحصر به فرد است. (درایتی، ۱۳۸۹: ۳۳۲/۹) نشان بلاغ دارد. عناوین و طبقه علوم در حاشیه با ترتیب حروف ابجد مشخص شده است. برخی حواشی در برش اوراق از بین رفته است در آغاز فهرست دارد. یکی از مباحث مهم این کتاب، بحثی مفصل درباره تعلیم و تعلم است.

نسخه جنگ روس و عثمانی

نمونه دیگری از نسخه‌هایی که روش استفاده از مراجع، در شناسایی اصالت آن کاربرد دارد، نسخه شماره ۱۰۸۴۶ کتاب‌خانه ملی، با عنوان جنگ روس و عثمانی است. در این نسخه اخبار جنگ روس و عثمانی، از روزنامه تلگرافی مورخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۲۹۴ تا ذی‌حجه ۱۲۹۶ ق گردآوری شده است. نسخه با این عبارت به‌انجام رسیده است: "تمام شد این کتاب مستطاب بید اقل خلق الله چاکر جان‌نثار فرج‌الله تفرشی محرر تلگرافخانه مبارکه تبریز در یوم جمعه ۶ ذی‌الحجه الحرام سنه ۱۲۹۶" (تصویر ۵)

فهرست‌نویس بر اساس عبارت پایانی نسخه، اعتقاد دارد مؤلف کتاب همان فرج‌الله تفرشی، کاتب نسخه و محرر تلگرافخانه تبریز است. (انوار، ۱۳۶۹: ۲ / ۳۸۲) در مآخذ کتاب‌شناسی نیز بر اساس ثبت فهرست ملی، نام فرج‌الله تفرشی به‌عنوان مؤلف و محرر ثبت شده است. (درایتی، ۱۳۸۹: ۳ / ۹۹۸)

همان‌طور که مشاهده می‌شود انجام نسخه، فاقد عباراتی حاکی از گردآوری کتاب توسط تفرشی است، هم‌چنین در سراسر نسخه به نام مترجم و گردآورنده اشاره نشده است. بررسی مراجع، نشان می‌دهد فرج‌الله تفرشی، خوش‌نویس است. در زمینه کتابت و استنساخ کتاب و روزنامه فعالیت می‌کرده است.

در کتاب‌خانه ملی به‌جز نسخه در دست، دو نسخه دیگر به‌خط تفرشی وجود دارد. یکی از این نسخه‌ها مورخ ۱۲۸۷ ق، و به‌خط نستعلیق فرج‌الله تفرشی است. نسخه دیگر تاریخ ۱۲۹۸ ق دارد. در طهران با خط شکسته نستعلیق خوش‌تحریر شده، و محرر آن فرج‌الله بن نصرالله تفرشی است. (انوار، ۱۳۶۹: ۳ / ۲۱۷)

کاتب چاپ سنگی دیوان مدهوش طهرانی مورخ شوال ۱۲۹۰ ق در طهران، فرج‌الله تفرشی روزنامه‌نویس است. (نسخه‌های متعدّد در مخزن چاپ سنگی کتاب‌خانه ملی به‌شماره ۱۶۰۶۵، ۲۵۵۵۱، ۱۸۸۳۴، ...) علاوه بر کتاب‌خانه ملی، فهرست کتاب‌خانه‌های دیگر نیز به نام فرج‌الله تفرشی اشاره کرده‌اند: "در فهرست دانشکده حقوق (دانش‌پژوه، ۱۳۳۹: ۱ / ۷) از نسخه کتابچه اخبار خارجه نام برده شده است. این نسخه به امر مؤتمن‌السلطان و به‌خط فرج‌الله تفرشی تحریر

شده است، این نسخه در حقیقت نسخه دوّمی از نسخه ماست، با این تفاوت که تنها تا اخبار ۱۳ رجب ۱۲۹۵ق را شامل است. کاتب، این نسخه را از روی روزنامه تلگرافی سال ۱۲۹۴ و ۱۲۹۵ق کتابت کرده است.

نسخه تاریخ جنگ شرق اقصی، نوشته حسن بن محمدعلی ثمر انصاری (۱۲۸۴-۱۳۴۴ق) در کتابخانه صارم الدوله اصفهان، به خط نستعلیق فرج الله تفرشی محرر تلگرافخانه، در تاریخ ۱۴ صفر ۱۳۰۱ق است. (هدایت، ۱۳۸۵: ۳۲؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۲/۶۹۴)

کتاب چاپ سنگی هزار و یک شب با ترجمه عبداللطیف طسوجی، توسط محمدعلی و فرج الله تفرشی در ۱۲۹۳ق کتابت شده است. (هدایت، ۱۳۸۵: ۶۷۶). کتاب المعجم فی تاریخ ملوک عجم فضل الله قزوینی، در تاریخ ۹ ذی قعدة ۱۳۰۶ق به خط نستعلیق فرج الله تفرشی نوشته شده است. (درایتی، ۱۳۸۸: ۵/۲۰۵۳؛ درایتی، ۱۳۸۹: ۸۵۱/۹) فرج الله تفرشی دیوان هاتف اصفهانی را در ۲۷ ذی حجة ۱۳۱۱ق به خط نستعلیق خوش نوشته است. (فاضل هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۷/۲۶۱)

همین طور فهرست ها به نام فرج الله بن میرزا علی خان تفرشی اشاره کرده اند. مجموعه شماره ۱۶۳۸۹ شامل دیوان عضد یزدی، دیوان شاهی سبزواری، دیوان حسن دهلوی، به خط نستعلیق خوش او از ذی حجة ۱۳۱۳ تا محرم ۱۳۱۴ق تحریر شده است. (فاضل هاشمی، ۱۳۸۰: ۱۷/۴۸۱) در فهرست کتابخانه سنا (مجلس شورای اسلامی ۲) کاتب مجموعه شماره (۱۳۲۷)، فرج الله بن میرزا علی خان تفرشی است. وی این مجموعه را به امر میرزا ابوالحسن خان در ۵ صفر ۱۳۱۷ق کتابت کرده است. این مجموعه شامل دیوان هاتف اصفهانی و آداب القمار محمدامین میرزا است. (دانش پژوه، ۱۳۵۹: ۲/۲۲۳ و ۲۲۴)

خط نسخه ما به خط نسخه مورخ ۱۲۹۸ق کتابخانه ملی، موسوم به سفرنامه ناصر خسرو، تحریر فرج الله بن نصرالله تفرشی شبیه است؛ برعکس خط فرج الله بن میرزا علی خان تفرشی در کتابخانه سنا (مجلس شورای اسلامی ۲) با خط کاتب نسخه ما تفاوت دارد. (تصویر ۶) بنابراین به احتمال زیاد کاتب نسخه ما همان فرج الله بن نصرالله تفرشی است.

نام فرج‌الله تفرشی و سرگذشت وی، علی‌رغم جستجو در بسیاری مآخذ سرگذشت‌نامه خوش‌نویسان و رجال معاصر به دست نیامد.^۱ با این حال از جمع‌بندی مطالب فوق و تطبیق تاریخ‌های دردست، می‌توان به این نتیجه رسید فرج‌الله تفرشی روزنامه‌نویس و محرر تلگراف‌خانه، حداقل از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۱ ق در طهران و تبریز، در امر استنساخ کتاب و روزنامه نویسی، هردو، فعالیت می‌کرده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از فرج‌الله تفرشی، تنها در فهرست مآلی با عنوان مؤلف یادشده است. تفرشی خود در انجامه اذعان دارد "محرر تلگراف‌خانه تبریز" است. این بدین معنی است که روزنامه‌های تلگراف‌خانه را کتابت می‌کرده است. پس نمی‌توان نسخه را خط مؤلف محسوب کرد.

تبریز در آن زمان، پس از تهران بزرگترین شهر ایران و ولیعهدنشین بوده است. مظفرالدین میرزا پس از انتخاب شدن به عنوان ولیعهد، بنا به رسم معمول دوران فتح‌علی‌شاه، و پس از جنگ‌های ایران و روسیه، در تبریز مستقر می‌شود، و حدود چهل سال دوره طولانی ولیعهدی خود را در آذربایجان سپری می‌کند. بنابراین در سال تاسیس تلگراف‌خانه تبریز، و نیز همچنان در سال کتابت نسخه ما، وی به عنوان ولیعهد در تبریز به سر می‌برده است.^۲

کتاب تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران در باره تلگراف‌خانه تبریز چنین می‌نویسد:

۱. در کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز نوشته نادر میرزا، تلگرافات عصر سه سالار (خط تبریز ۱۲۹۵-۱۲۹۶) نوشته محمود طاهر احمدی، تاریخ پست و تلگراف و تلفن نوشته حسین پژمان، جلد سوم مفاخر آذربایجان در شرح احوال شاعران نویسندگان و خوشنویسان نوشته عقیقی بخشایشی، احوال و آثار خوشنویسان نوشته مهدی بیانی، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان نوشته عباس سرمدی، نشانی از فرج‌الله تفرشی و اطلاع بیشتری از تلگراف‌خانه تبریز به دست نیامد.

۲. در کتاب تاریخ پست و تلگراف و تلفن در خصوص نخستین سیم کشی تلگراف آمده میرزا آقاخان توسط علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه مطلع شد یکی از صاحب‌منصبان اتریشی مدرسه نظامیه دارالفنون به اسم مسیو کرشیش، از طرز کار تلگراف آگاهی دارد. او را مامور تهیه نمونه تلگراف کرد. وی با دستیاری چند تن از شاگردان، دو دستگاه در دو اتاق نصب کرد. در اواخر رجب ۱۲۷۴ ق، نخستین مخابره تلگرافی صورت پذیرفت. پس از آن مقرر شد از عمارت خاصه سلطانی تا باغ لاله‌زار سیم کشی کنند. سپس شاه فرمان داد سیم تلگراف به سلطانیه و از آنجا به زنجان و تبریز که مقر ولیعهدان قاجار بود امتداد یابد. یک سال پس از امتحان اولیه تلگراف در مدرسه دارالفنون، در ماه رجب ۱۲۷۵ ق سیم کشی مزبور آغاز شد. (پژمان، ۱۳۲۶: ص

"[پس از زنجان] حکم شد که سیم تلگراف را به تبریز برسانند، و در ماه رجب سال ۱۲۷۷ق این کار صورت گرفت [ص ۱۹۶] ... میرزا جوادخان سعدالدوله پسر حاجی میرزا جبار و نواده حاجی صفرعلی تاجر خوئی اولین رئیس تلگراف تبریز بوده است. دیگر میرزا عباس خان برادر او، دیگر یوسف خان، و عبدالحسین خان نوائی، دیگر علی اصغر خان مبشرالسلطنه، دیگر میرزا فضل الله خان و میرزا حبیب الله خان، میرزا محمدیاور، میرزا عبدالوهاب خان، میرزا محمود، محمدصافی میرزا، ابوالفتح میرزا، میرزا حیدرعلی فرزند میرزا محمدتقی شیبانی کاشانی، میرزا جعفرخان [ص ۲۲۴]" (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷: ۲/۱۹۶ و ۲۲۴؛ ۱۳۸۹: ۲۳۴)

مشاهده می شود تلگراف خانه تبریز، رؤسای زیادی در مدت کوتاهی داشته است. یقیناً این

مسأله از بی سر و سامانی آن حکایت دارد.^۱

۱. با ورود تلگراف به ایران در زمان ناصرالدین شاه، تلگراف خانه ها عهده دار امر خبر رسانی داخلی و خارجی شدند. تلگرافچی ها نوعی خبرنگار بودند، و برخی از آنان باید زبان خارجی می دانستند. نتایج تلاش آنها به صورت روزنامه برای شاه ارسال می شد، و او پیش از همه از اخبار مطلع می شده است. تلگرافچی ها جاسوس و چشم و گوش شاه بودند، و تلگراف ها و نوع روابط سیاستمداران کشور با خارج را به مرکز و شاه خبر می دادند. به قول کتاب تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران تلگراف خانه از ارکان سلطنت و از امور اختصاصی نهاد سلطنت بودند:

"از وظایف مهم تلگرافچی ها خبرگزاری بوده است. عباس میرزای ملک آرا در این باره می نویسد: "تلگرافچیان ایران مأمورند اخبار ولایات را هفته ای دو روز بطهران بفرستند ... (نوائی، ۱۳۵۵: ۶۳)"، و در باب مخالفت درباریان با حاج میرزا حسین خان سپهسالار می نویسد: "مخبرالدوله متعهد شد روزنامه های تلگرافی از ولایات متضمن شکایت از او پی در پی برسانند... و چون سپهسالار به حکومت قزوین رفت ... مخبرالدوله تلگرافچی قزوین را که زبان خارجه نمی دانست معزول نمود و یک نفر که زبان خارجه می دانست فرستاد که آنچه او تلگراف کند صورت بدهد (همان، ص ۸۹)، ... و نظر به اهمیت این موضوع است که شاه اصرار می داشت همه تلگراف ها را اوّل خود او ببیند به طوری که در زمان صدارت حاج میرزا حسین خان سپهسالار چون میرزا محمود قمی [نویسنده تقویم مظفری در همین پژوهش] خواست راپورت های تلگرافی را بدو به اطلاع میرزا حسین خان برساند و این خلاف سلیقه و سیاست ناصرالدین شاه بود از تلگراف خانه مخصوص به مرکز امر شد که میرزا محمودخان معزول است (هدایت، ۱۳۴۴: ۶۰)، و به این لحاظ شاه این موسسه را از ارکان سلطنت خود می دانست و برای آن اعتبار بسیار قائل بود، به طوری که در دست خطی خطاب به مخبرالدوله نوشته است: ... امر مزبور خیلی قابل ملاحظه و محل اهمیت و دقت کامل است. محض رعایت جلالت و اهمیت این کار از این تاریخ اداره تلگرافی دولت علیه را بمراقبت نفس نفیس و شخص شخیص

این که لقب یکی از این رؤسا همان مؤتمن السلطان باشد، که نسخه دانشکده حقوق به دستور او نوشته شده است روشن نیست. همین‌طور نام تفرشی هم در میان کارکنان تلگراف‌خانه تبریز به دست نیامد. در صدر صفحه اول نسخه ما و در موضع عنوان کتاب، تقدیم‌نامه‌ای به مظفرالدین‌شاه، با این خطاب آمده است:

"حسب الامر بندگان حضرت اقدس اشرف امجد ارفع اسعد والا شاهنشاهزاده اعظم ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران روحانفاده کتابچه اخبار خارجه محتوی بجنگ دولت علیه عثمانی و دولت بهیه روسیه از قرار اخبار روزنامه تلگرافی از تاریخ ۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۴ لغایت ۶ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۹۶ تقدیم پیشگاه حضور مبارک انور گردید." (تصویر ۷)

این عبارات نشان می‌دهد، موضوع کتاب، اخبار تلگرافی خارجی ترجمه شده به فارسی، مربوط به جنگ عثمانی و روسیه است. به درخواست مظفرالدین‌شاه، ولیعهد وقت، گردآوری و کتابت و در نهایت تقدیم ولیعهد شده است.

همین‌طور از این عبارات می‌توان حدس زد در تلگراف‌خانه، کتابچه اخبار داخله هم گردآوری می‌شده است. این مطلب از اطلاع کتاب مؤسسات تمدنی نیز به دست می‌آید. چه بسا این کتابچه‌ها بر اساس موضوع یا تاریخ وقوع رویدادها و اخبار، یا هر دو باهم، تنظیم می‌شدند. از عبارت دعایی (روحنا فداه) نه (روحی فداه)، در صدر نسخه، چنین برمی‌آید چند نفر دست اندر کار تنظیم نسخه بوده‌اند. همین‌طور عبارت "اخبار تلگرافی از تاریخ ۱۷ شهر ربیع الثانی ۱۲۹۴ لغایت ۶ شهر ذیحجه الحرام ۱۲۹۶" در همان جا، نشان می‌دهد اخبار زمانی طولانی، یعنی حدود سی و دو ماه، ابتدا ترجمه و تنظیم، و سپس استنساخ شده است. بنابراین نسخه به صورت روزانه کتابت نمی‌شده است، علی‌رغم آن که اخبار آن در پایان، بسیار روزآمد است، و آخرین خبر آن مربوط به ۶ ذی‌حجه ۱۲۹۶ ق، یعنی درست همان روز پایان کتابت، است.

خودمان گرفته و از امور مختصه دایره سلطنت قرار دادیم و باید وجهها من الوجوه احدی مداخله به جزء و کل آن نکرده شرایط انتظام این امر خطیر را حفظ کند فی شهر رجب ۱۲۹۱. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۳/ ۱۹۵؛ محبوبی اردکانی، ۱۳۵۴: ۲/ ۲۲۰)

تطابق تاریخ میلادی کاغذ نسخه (۱۸۷۸م)، با تاریخ قمری آن (۱۲۹۵ق) به اضافه یک ماه از سال ۱۲۹۶ق)، و احتساب صرف زمان برای ورود کاغذ به ایران از کشور سازنده و مبدأ، نشان از آن دارد که، کاتب حدود همان سال ۱۲۹۶ق مجموعه گردآوری شده را، یکجا کتابت کرده و آخرین اخبار را نیز به آن افزوده است.

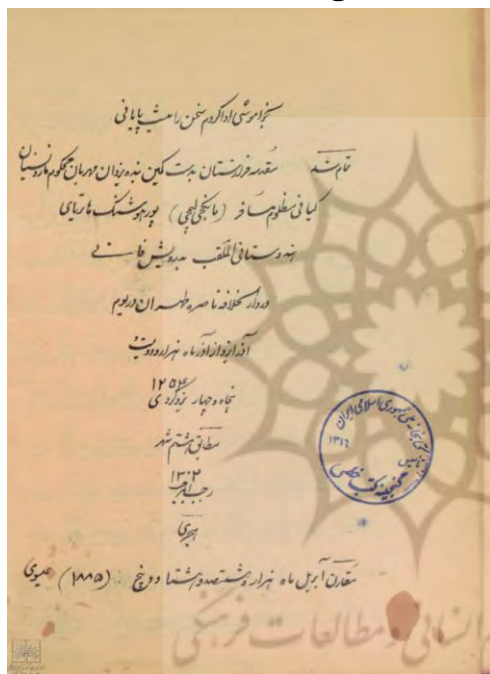
نتیجه گیری

این نوشتار، با بهره گیری از الگوی کاربرد مآخذ، چندین شیوه شناسایی اصالت نسخه‌های اصل وابسته به تاریخ، و چگونگی پرهیز از اشتباه در استناد نسخه‌ها را پیشنهاد می‌دهد. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد علی‌رغم وحدت روش اصلی، یعنی روش استفاده از مآخذ، از روش‌های فرعی دیگری برای تعیین میزان اعتبار هر یک از نسخه‌های مورد بررسی می‌توان استفاده کرد. در نسخه مقدمه فزازستان، علاوه بر روش استفاده از منابع، روش تطبیق ویژگی‌های خط با ویژگی‌های صاحب خط، و روش تطبیق نسخه‌ها با یکدیگر کاربرد دارد. در نسخه مدینه العلوم می‌توان با مدد روش تمایز بین نوع خط‌خوردگی‌های گوناگون متن، و توجه به دخل و تصرفات کاتب، اعتبار نسخه را بررسی کرد. همین‌طور در نسخه جنگ روس و عثمانی، روش تمایز انجام و انجامه، و توجه به ظواهر نسخه‌شناسی، علاوه بر روش استفاده از منابع به این تشخیص کمک می‌کند. متأسفانه فهرست‌نویس در تشخیص اصالت هر سه نسخه به خطا رفته، و این نسخه‌ها را خط مؤلف معرفی کرده است. در نسخه مقدمه فزازستان، به صرف اتمام نسخه با انجام مؤلف و عدم ذکر انجامه کاتب دچار اشتباه شده است. در نسخه مدینه العلوم، علاوه بر عدم تشخیص نام صحیح مؤلف، بین نسخه مسوده و نسخه خط‌خورده کاتب تمایزی قائل نشده است. در نسخه جنگ روس و عثمانی، انجامه کاتب را با انجام مؤلف اشتباه گرفته، و کاتب را مؤلف تصور کرده است. بدین ترتیب نسخه‌های غیراصل را به عنوان نسخه‌هایی اصیل شناسایی کرده است.

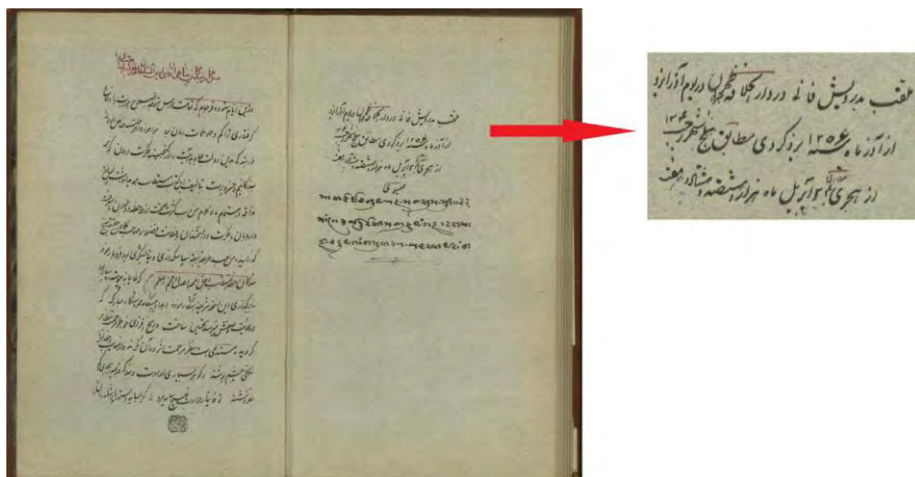
بررسی این نسخه‌ها نشان می‌دهد تعیین اعتبار نسخه‌های اصل وابسته به تاریخ، نیازمند توجه محقق، به مجموعه‌ای از عوامل و روش‌های تشخیصی است. روش‌هایی که با واریسی دقیق و مطالعه نسخه‌ها در جستجوی قراین گوناگون به دست می‌آید. توجه به شواهد نگارشی و ساختار

نسخه، توجه به شواهد نوشتاری و دست‌خط نویسنده و تطبیق دست‌خط با نمونه‌های موجود، تفتیش یادداشت‌ها و حواشی، عنایت به ظواهر نسخه‌شناسی مانند جنس کاغذ، نوع خط و مرکب، دقت در آثار احتمالی جعل و تزویر، و جستجوی عوامل و اسباب دیگر، هریک به تنهایی الگوها و روش‌های جدیدی برای تعیین اعتبار نسخه به دست می‌دهد. این روش‌ها در نسخه‌های تاریخی و غیر تاریخی، هر دو کاربرد دارد.

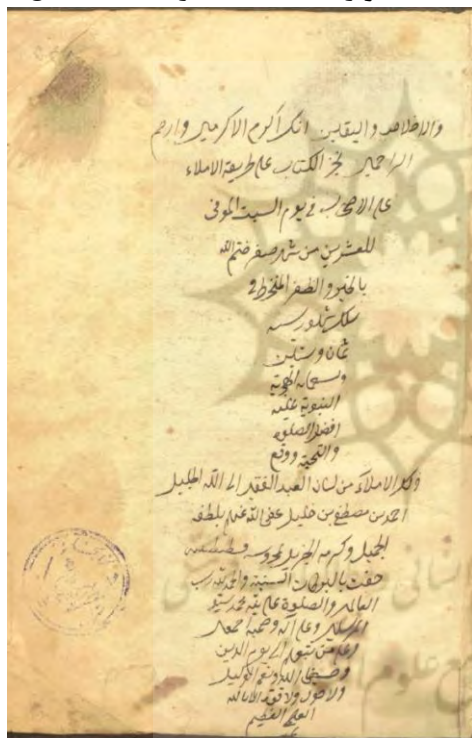
بنابراین استفاده از روش کاربرد منابع در تشخیص برخی نسخه‌های اصل شرطی لازم است؛ اما شرط کافی نیست. درهم‌کرد و استفاده از روش‌های تشخیصی گوناگون، شرط اساسی اثبات اصالت و اعتبار نسخه‌ها است. روش‌شناسی و طبقه‌بندی این الگوهای متفاوت، به فهرست‌نویسان و پژوهشگران در تشخیص میزان اعتبار منابع کمک می‌کند.



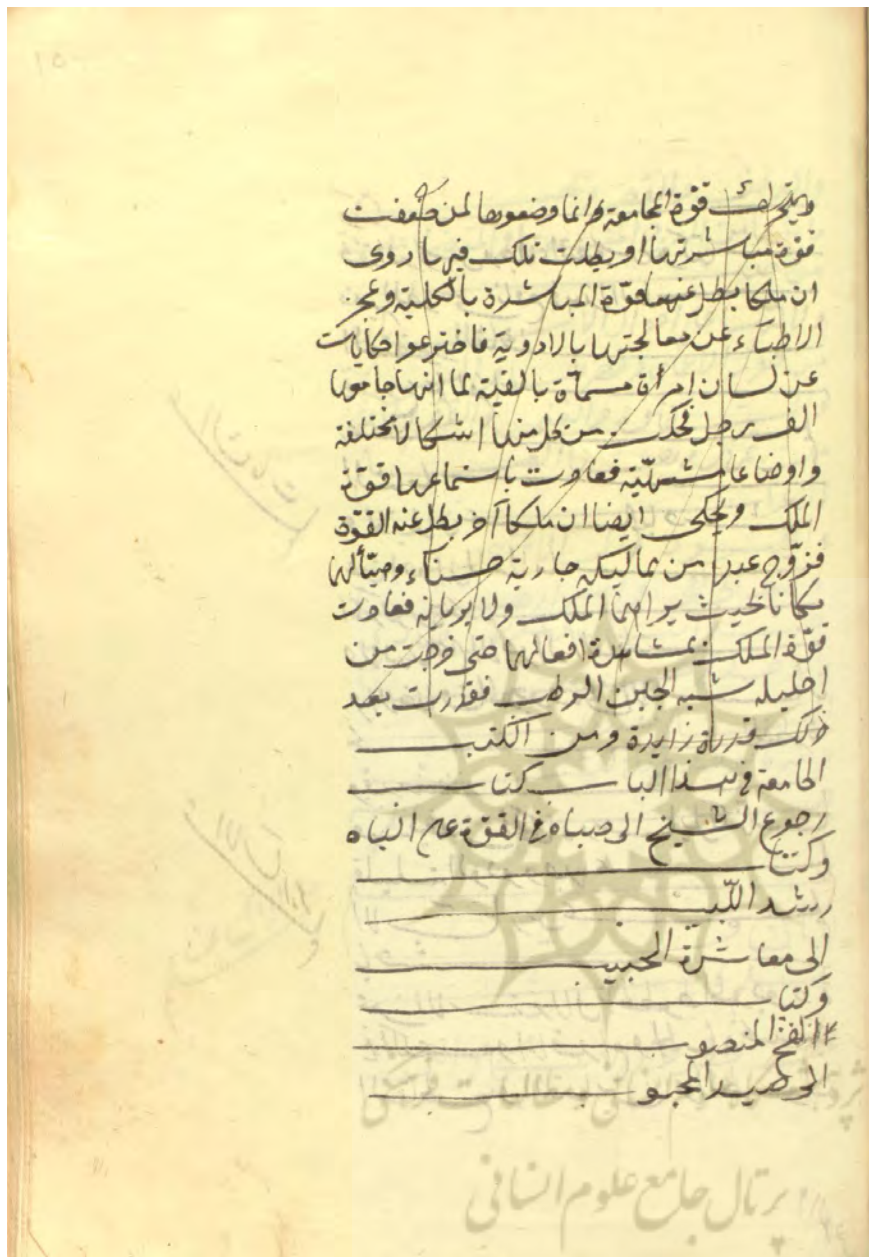
تصویر ۱: نسخه مقدمه فرائض - ملی



تصویر ۲: نسخه مقدمه فرازستان - مجلس



تصویر ۳: انجام نسخه مدينة العلوم



تصویر ۴: برگه‌ی از نسخه‌ی مدینه‌ی العلوم

بسمت شرق شده، مورخه ۱۲۹۶ هجری قمری
تمام شد این کتاب مستطاب بلیق خانی تهرانی
فنج آینه لغت محققان کاتبان
در یوم جمعه ۶ جمادی
۱۲۹۶ هجری



انگیزش کردن برده ندهد و به بیت نفرسان گشته و عفت استله از کلین شرف نهم داشته
مورخه ۲۱ اسفند ۱۲۹۶

روزنامه خارج از لندن ششم نوامبر ۱۹۱۷ میلادی در خصوص اقدامات روسیه در قبال ایران از جانب دولت خود وعده جبهه
شیطانی کرده و گفته است که شتران کلین از درالاجرت نایب از لندن اخبار از
خبر بطرز پورخ فون برسیه در یکی از مکان شده بود بجهت حرکت کرده است مورخه ۲۱
ترجمه خبر از لندن ۱۲ نوامبر ۱۹۱۷ میلادی در خصوص حرکت شتران از زمین ایران
بسمت شرق حرکت کنند روزنامه گلان میندورنه پن لایات ایوان آهنگر از کرده
مفیده خبر دارد و نایب از سلسله اسطانت بفرجه کلین مینم هم به اعلان کرده است
که آنچه به شیطانی که در روز روز از زمین از عثمانی بجهت سلطان رسیده ندهد و تسلط
سلسله در کلین شمال خواهد فیت که از شیطانی زکوره باره و هر از دولت کلین و باره
مورخه ۴ بهر صبح ۱۲۹۶

ترجمه اخبار از سلسله ۱۲ نوامبر ۱۹۱۷ میلادی که آنچه به شیطانی صحه که از کرده در کلین و باره
آهنگر و باره از جانب اسطانت است که با همه که شیطانی شده حرکت شتران کلین

تصویر ۵: پایان نسخه جنگ روس و عثمانی
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هر چند که گل پرده و سپین برنی حیف از تو دل که شمع بر حریفی
 ای یار وفا دارا که را برستی
 با غیر کو حریفی و شوی دشمنی
 منت کتاب بیرون امک از آب بید اول کتاب سیراج
 چاپ رشتنه جم شریفه تفسیر عقیده هزار مسجد و جده من اجمیر
 حسب الفرموده حضرت مستطاب علی خان عالی
 میرزا ابوالحسن خان کرد آمد است از عالی
 حردیه میرزا نصر الله بن میرزا محمد علی
 علی محمد بن میرزا حسن خان
 عذر نامه از اوها
 ۱۳۱۲

و بر بلخ آیدیم غمرا که با طرافت ز بارتها و غیره رفته بودیم و در بنارود دولت
 بیست و شش بود و این سرگذشت آنچه دیده بودم بر آستی شرح دادم
 و بعضی که بر دایت ما شنیدم اگر در آنجا خلافتی باشد جز آنده کان از این
 ضعیف ندانند و موافقت و کوهش نهند و اگر از بسجانه و تعلقه توفیق
 دهد چون سفر طرف مشرق کرده شود آنچه مشاهده شد باین ضم کرده تها
 تمام شد سفر نامه ناصر حسن و علوی بید اول کتاب
 و المیزین فرج الله بن نصر الله تفرشی
 فی یوم بیت هشتم شهر
 دی محرم الحرام سن شهر
 ۱۲۹۸ هجری
 ۱۲۲

نمونه خط فرجالله بن میرزا علی خان تفرشی در کتابخانه
 مجلس شماره ۲

نمونه خط فرجالله بن نصر الله تفرشی در نسخه سفر نامه ناصر حسن و کتابخانه مای

تمام شد این کتاب مستطاب بید اقل خلق شهر
 فرج الله تفرشی محرر تکالیف و کتب
 در یوم جمعه ۱۲۹۸ هجری
 ۱۲۹

نمونه خط فرجالله تفرشی در نسخه جنگ روس و عثمانی کتابخانه مای

تصویر ۶: نمونه خط فرج الله بن نصر الله تفرشی و فرج الله بن میرزا علی خان تفرشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

هو الله تعالی شاه اغیر الکریم
 حسب الامر بندگان حضرت اقدس شرف مجد رفیع سعید و الشاهنشاهنده

کرم
 درود
 بسم
 عظم
 شاهنشاهنده

دولت علیه ایران روخافراه

کتابچه اخبار خارجه محتوی بحکام دولت علیه عثمانی و دولت بهیسه روسیه از وزارت

روزنامه نکرانی از تاریخ ۱۷ شهریور ۱۲۹۴ لغایت ۲۹ شهریور ۱۲۹۴

انور کردید

ترجمه اخبار خارجه از الماس ۱۲۹۴ و در خیر تصرف لشکر عثمانی کالافات را دروغ و جهل است قشون عثمانی لفظ
 از رودخانه دانوب گذشته است کشتیها در عملیات هر نظر را کوله زیر سکنه قشون روسیه در باره لاجرم
 کشتیها زره پوش عثمانی در کالاسر کله زره له عبور و مرور در رودخانه دانوب جهت تجارت و سیما موقوف است
 از لندن ۲۱ روزنامه کلیت سکویچه که روسیه تمهید کرده است که خدیو مصر باید در آتش عثمانی پایتخت بخند
 خوام که دولت و نسیم هم میکنند که خدیو مصر لزایم صرفت بیفید زلزله از منفعت طلبکاران است از
 مذکور که حکومت بلژیک در قازان در سنه ۱۷ شهریور ۱۲۹۴
 ترجمه اخبار خارجه از الماس ۱۲۹۴ و در قشون روسیه سمعید و کیر مارا تصرف کردند دولت عثمانی

تصویر ۷: آغاز نسخه جنگ روس و عثمانی

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن، *مرآة البلدان*، به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ، تهران، ۱۳۶۷.
- انوار، عبدالله، *فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران*، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و هنر، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۳ ° ۱۳۵۸، ج ۱-۱۰.
- انوشه، حسن، *دانشنامه ادب فارسی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۰، ج ۷.
- اوکتایی، عبدالعلی، *فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی*، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۰۵-۱۳۲۹، ج ۱ ° ۵.
- بغدادی، اسماعیل پاشا، *ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون*، دارالفکر، بیروت، ۱۳۷۳=۱۴۱۴ق، ج ۲.
- بغدادی، اسماعیل پاشا، *هدیه العارفين*، دارالفکر، بیروت، ۱۳۷۳=۱۴۱۴ق، ج ۲.
- بیانی، مهدی، *احوال و آثار خوش‌نویسان*، علمی، تهران، ۱۳۶۳، ج ۴ در دو مجلد.
- پژمان، حسین، *تاریخ پست و تلگراف و تلفن*، علمی، تهران، ۱۳۲۶.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، دارالفکر، بیروت، ۱۳۷۳=۱۴۱۴ق، ج ۲.
- حسینی اشکوری، جعفر، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس*، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸ (ج ۲۸).
- دانش‌پژوه، محمدتقی، *فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ۲* (سنای سابق)، با همکاری بهاء‌الدین علمی انواری، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۵۹، ج ۲.
- دانش‌پژوه، محمدتقی، *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۳۹.

- درایتی، مصطفی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم (قم)، با همکاری محمود طیار مراغه‌ای و صادق حسن‌زاده مراغه‌ای، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و الجواد، تهران و مشهد، ۱۳۸۸، ج ۶.

- درایتی، مصطفی، دنا فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹، ج ۱۲.

روحی دل، الهه؛ زرکلی، خیرالدین، الاعلام: قاموس تراجم لاشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت، ۱۹۶۹م = ۱۳۸۹ق، ج ۱۱.

- سرمدی، عباس، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان، هیرمند، تهران، ۱۳۷۹.

- طاهر احمدی، محمود، تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز ۱۲۹۵-۹۶)، سازمان اسناد ملی ایران، تهران، ۱۳۷۰.

- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، **مفاخر آذربایجان**، نشر آذربایجان، تبریز، ۱۳۷۵-۱۳۷۸، ج ۵.

عراق. فاضل هاشمی، محمدرضا، فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد، مشهد، ۱۳۸۰، ج ۱۷.

- قاجار، نادر میرزا؛ سپهر، لسان‌الملک، تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز، به ضمیمه شرح حال بزرگان، اقبال، تهران، ۱۳۶۰.

- کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، المكتبة العربیة، دمشق، ۱۹۵۷-۱۹۶۱م = ۱۳۷۶-۱۳۸۱ق، ج ۱۵.

مایل هروی، نجیب، تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

محبوبی اردکانی، حسین، تاریخ موسسات تمدنی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۰-۱۳۷۶، ج ۳.

۵. مهرباخانی، روح‌الله، رسایل و رقائم جناب میرزا ابوالفضایل گلپایگانی، بی جا، مؤسسه

ملی مطبوعات امری، ۱۹۷۴م = ۱۳۵۳.

۲۶. نوایی، عبدالحسین، شرح حال عباس میرزا ملک آرا برادر ناصرالدین شاه شامل قسمت مهمی از وقایع سلطنت ناصرالدین شاه، بامقدمه عباس اقبال، بابک، تهران، ۱۳۶۱
۲۷. هدایت، محمدعلی، فهرست کتاب‌های چاپ سنگی و سربی (فارسی و عربی) کتاب‌خانه‌های عمومی اصفهان، نوشته، انجمن کتاب‌خانه‌های عمومی اصفهان، اصفهان، ۱۳۸۵
۲۸. هدایت، مهدیقلی، خاطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من، چاپ دوم، زوآر، تهران، ۱۳۴۴.

- 29 Janssen, Michel; Schulmann, Robert; On the dating of a recently published Einstein manuscript :Could these be the calculations that gave Einstein HEART PALPITATIONS"? ; Foundations of Physics Letters, Vol. 11, No. 4; 1998.

